



هفتادمین اجلاس عمومی سازمان ملل در شرایطی برگزار شد که هیأت ایرانی با حضور آقایان روحانی رئیس‌جمهور و ظریف وزیر امور خارجه عازم آمریکا شده بود تا در اجلاس سالانه سازمان ملل شرکت کند. هیأت ایرانی هنوز به نیویورک و مقر سازمان ملل نرسیده بود که حادثه تلخ منا با بیش از ۴۵۰۰ قربانی که حدود ۵۰۰ تن از آنان، ایرانی بودند رخ داد. انتظار می‌رفت با وقوع این مصیبت سفر هیأت ایرانی لغو و رسیدگی به حادثه منا با بازگشت هیأت ایرانی و تشکیل جلسات ویژه به ریاست آقای روحانی، اولویت اصلی دولت یازدهم قرار بگیرد و رئیس دولت و وزیر امور خارجه برنامه‌های خود را در سازمان ملل تعطیل و به ایران بازگردند یا حتی در صورت لزوم به عربستان سفر کنند اما به‌رغم ابعاد وسیع این مصیبت که جهان اسلام را در ماتم فروریخته است، برنامه هیأت اعزامی لغو نشد و تنها روز آخر برنامه تیم اعزامی لغو شد و این هیأت یک روز زودتر (۲) یعنی در روز پنجم اظهارنظرهای خود را در فضای روحانی نتواند در مراسم استقبال از پیکرهای مطهر این حجاج و تشییع این عزیزان حضور داشته باشد. عملکرد دولت در مواجهه با این بحران بسیار سوال‌برانگیز است که چرا به‌رغم وقوع این حادثه بزرگ، هیچ اقدام عملی و مؤثری از سوی دولت صورت نگرفت و تنها شاهد اظهارنظرهای صرف از سوی مقامات دولتی بودیم. عمر دوساله دولت به‌خوبی شاهد این مساله است که دولت یازدهم در برخورد با بحران‌ها و پیگیری و رسیدگی به اوضاع، قاطع و قدرتمند عمل نکرده است و عملاً در مدیریت بحران و مسائل حساس دچار ضعف اساسی است. نمونه‌هایی از مدیریت دولت یازدهم در حل بحران‌ها و رسیدگی به مسائل مختلف که عزت، افتدار و حیثیت جمهوری اسلامی را در عرصه جهانی و منطقه‌ای تحت تأثیر خود قرار داده است را به صورت گذرا یادآوری می‌کنیم.

– بارش برف سنگین در مناطق شمالی کشور که منجر به مسدود شدن مسیرها و ایجاد قطعی در این مناطق شد. دولت به جای اعزام تیم مدیریت بحران به منطقه سعی داشت از طریق سیستم متمرکز و از پایتخت اوضاع را کنترل کند که در این امر موفق نبود و در نهایت این فرماندهان سپاه نظامیان همچنین شهرداری تهران بود که با اعزام نیروهای ویژه برجام نشان از شرایط متفاوتی دارد. مدیریت کرده و مانع گسترش ابعاد آن شدند.

– وقوع بحران بمب‌گذاری و حمله به سفارتخانه‌های ایران در پاکستان، یمن و لبنان طی این ۲ سال که برخی دیپلمات‌های جمهوری اسلامی نیز در این حملات به شهادت رسیدند همچنین بحران گروگانگیری مرزبانان ایرانی در مرز با پاکستان که مدت‌ها اوضاع مرزهای کشور را بویژه در منطقه سیستان بحرانی کرده بود. دولت یازدهم در این بحران‌ها نیز ناموفق بود و نتوانست اوضاع را در اسرع وقت مدیریت کرده و خاتمه دهد.

– عدم صدور ویزا توسط ایالات متحده آمریکا برای نماینده ایران در سازمان ملل. «حمید ابوطالبی» که توسط دولت یازدهم به‌عنوان سفیر و نماینده ایران در سازمان ملل انتخاب شده بود با کارشکنی و عدم اجازه آمریکا برای ورود به سازمان ملل روبرو شد و ایالات متحده با این اقدام خود عملاً استقلال تصمیم‌گیری دولت را زیر سوال برد و دولت یازدهم را تحت فشار قرار داد و در نهایت شخص دیگری به جای آقای ابوطالبی برای نمایندگی ایران در سازمان ملل معرفی شد. مداخله آمریکا در این امر نتوان اعتبار پاسپورت ایرانی را بشدت زیر سوال برد بلکه عزت و حیثیت بین‌المللی ایران را نیز لکه‌دار نمود ولی متأسفانه دولت نتوانست این موضوع را نیز به درستی مدیریت کند و تدبیرش بی‌نتیجه ماند.

– بحث برجام و تلاش دولت یازدهم برای دستیابی به توافق هسته‌ای نمونه دیگری از این مسائل است که تمام توان دولت را تاکنون به خود معطوف کرده است ولی نتیجه‌ای که مورد رضایت تمام کشور باشد را حاصل نکرده است، چرا که تعادل بین داده و ستانده رعایت نشده و به‌رغم این همه هزینه‌ای که دولت برای دستیابی به توافق صرف کرده بود، نتیجه مطلوب به‌دست نیامده است. در این خصوص باید به این موارد توجه کرد:

– بحث دشمن در تحلیل‌های خود به سرداران نبرد در عرصه‌های مختلف در ایران نگر بسته است. در عرصه نظامی، امنیتی و اطلاعاتی، سرداران و ژنرال‌هایی بر مسند قدرت نشستند که طعم

کارشکنی‌ها و بدعهدی‌های طرف‌های غربی که بعد از برنامه جامع اقدام مشترک و بیانیه لوزان صورت گرفت اشاره کرد که با وجود توافقات صورت‌گرفته، بسیاری از موارد مورد توافق توسط غرب نقض شد

و طرف ایرانی تنها با عنوان این مساله که این نقض عهدها، تنها به روح توافق آسیب رسانده است(!) سعی داشت اوضاع را مدیریت کند، و اکنون نیز که توافق نهایی حاصل شده است، موضوعات و مسائل مبهم و گنگ فراوانی در تعهدات طرفین وجود دارد که نیاز به بررسی فراوان دارد؛ موضوعاتی چون تعهدات ایران، تعهدات ۵+۱، محدودیت‌های فراوان کمی و کیفی در برنامه هسته‌ای ایران، موضوع لغو همه تحریم‌ها و موضوعاتی از این دست. اما نکته اصلی این است که این همه موضوع لاینحل در حالی است که دولت ۲ سال از عمر خود را تماماً به این موضوع اختصاص داده و مدعی است در مذاکرات همه موضوعات به صورت خرد و موردی با دقت و وسواس خاصی مطرح و بررسی شده‌اند و برجام عزت و اقتدار ایران را در مقابل قدرت‌های جهانی به اثبات رساند، ولی بحث‌های جدی در کمیسیون ویژه برجام نشان از شرایط متفاوتی دارد. این موضوعات و مسائل، مسواری از مدیریت دولت یازدهم است که بشدت ضعیف و دور از انتظار است و حال حادثه منا را نیز به آنها اضافه کنید. در حادثه منا عمق مصیبت در حالی رو به گسترش است که نه اقدام مؤثر و اساسی توسط دولت برای رسیدگی و پیگیری وضعیت حجاج صورت گرفته و نه برخورد قاطع و جدی با گستاخی‌های رژیم سعودی توسط دولت یازدهم انجام شده است. در این اوضاع رئیس دولت و وزیر امور خارجه به‌عنوان مقام مهم و کلیدی در رسیدگی به این حادثه فرامی، در کشور حضور نداشتند و اگرچه حضور آنان برای مدیریت این رخداد الزامی و مهم بود ولی سفر به مقر سازمان ملل در نیویورک و عدم حضور در سازمان ملل انتخاب شده بود با کارشکنی و عدم اجازه آمریکا برای ورود به سازمان ملل روبرو شد و ایالات متحده با این اقدام خود عملاً استقلال تصمیم‌گیری دولت را زیر سوال برد و دولت یازدهم را تحت فشار قرار داد و در نهایت شخص دیگری به جای آقای ابوطالبی برای نمایندگی ایران در سازمان ملل معرفی شد. مداخله آمریکا در این امر نتوان اعتبار پاسپورت ایرانی را بشدت زیر سوال برد بلکه عزت و حیثیت بین‌المللی ایران را نیز لکه‌دار نمود ولی متأسفانه دولت نتوانست این موضوع را نیز به درستی مدیریت کند و تدبیرش بی‌نتیجه ماند.

– بحث برجام و تلاش دولت یازدهم برای دستیابی به توافق هسته‌ای نمونه دیگری از این مسائل است که تمام توان دولت را تاکنون به خود معطوف کرده است ولی نتیجه‌ای که مورد رضایت تمام کشور باشد را حاصل نکرده است، چرا که تعادل بین داده و ستانده رعایت نشده و به‌رغم این همه هزینه‌ای که دولت برای دستیابی به توافق صرف کرده بود، نتیجه مطلوب به‌دست نیامده است. در این خصوص باید به این موارد توجه کرد:

– بحث دشمن در تحلیل‌های خود به سرداران نبرد در عرصه‌های مختلف در ایران نگر بسته است. در عرصه نظامی، امنیتی و اطلاعاتی، سرداران و ژنرال‌هایی بر مسند قدرت نشستند که طعم کارشکنی‌ها و بدعهدی‌های طرف‌های غربی که بعد از برنامه جامع اقدام مشترک و بیانیه لوزان صورت گرفت اشاره کرد که با وجود توافقات صورت‌گرفته، بسیاری از موارد مورد توافق توسط غرب نقض شد

و طرف ایرانی تنها با عنوان این مساله که این نقض عهدها، تنها به روح توافق آسیب رسانده است(!) سعی داشت اوضاع را مدیریت کند، و اکنون نیز که توافق نهایی حاصل شده است، موضوعات و مسائل مبهم و گنگ فراوانی در تعهدات طرفین وجود دارد که نیاز به بررسی فراوان دارد؛ موضوعاتی از این دست. اما نکته اصلی این است که این همه موضوع لاینحل در حالی است که دولت ۲ سال از عمر خود را تماماً به این موضوع اختصاص داده و مدعی است در مذاکرات همه موضوعات به صورت خرد و موردی با دقت و وسواس خاصی مطرح و بررسی شده‌اند و برجام عزت و اقتدار ایران را در مقابل قدرت‌های جهانی به اثبات رساند، ولی بحث‌های جدی در کمیسیون ویژه برجام نشان از شرایط متفاوتی دارد. مدیریت کرده و مانع گسترش ابعاد آن شدند.

– وقوع بحران بمب‌گذاری و حمله به سفارتخانه‌های ایران در پاکستان، یمن و لبنان طی این ۲ سال که برخی دیپلمات‌های جمهوری اسلامی نیز در این حملات به شهادت رسیدند همچنین بحران گروگانگیری مرزبانان ایرانی در مرز با پاکستان که مدت‌ها اوضاع مرزهای کشور را بویژه در منطقه سیستان بحرانی کرده بود. دولت یازدهم در این بحران‌ها نیز ناموفق بود و نتوانست اوضاع را در اسرع وقت مدیریت کرده و خاتمه دهد.

– عدم صدور ویزا توسط ایالات متحده آمریکا برای نماینده ایران در سازمان ملل. «حمید ابوطالبی» که توسط دولت یازدهم به‌عنوان سفیر و نماینده ایران در سازمان ملل انتخاب شده بود با کارشکنی و عدم اجازه آمریکا برای ورود به سازمان ملل روبرو شد و ایالات متحده با این اقدام خود عملاً استقلال تصمیم‌گیری دولت را زیر سوال برد و دولت یازدهم را تحت فشار قرار داد و در نهایت شخص دیگری به جای آقای ابوطالبی برای نمایندگی ایران در سازمان ملل معرفی شد. مداخله آمریکا در این امر نتوان اعتبار پاسپورت ایرانی را بشدت زیر سوال برد بلکه عزت و حیثیت بین‌المللی ایران را نیز لکه‌دار نمود ولی متأسفانه دولت نتوانست این موضوع را نیز به درستی مدیریت کند و تدبیرش بی‌نتیجه ماند.

– بحث برجام و تلاش دولت یازدهم برای دستیابی به توافق هسته‌ای نمونه دیگری از این مسائل است که تمام توان دولت را تاکنون به خود معطوف کرده است ولی نتیجه‌ای که مورد رضایت تمام کشور باشد را حاصل نکرده است، چرا که تعادل بین داده و ستانده رعایت نشده و به‌رغم این همه هزینه‌ای که دولت برای دستیابی به توافق صرف کرده بود، نتیجه مطلوب به‌دست نیامده است. در این خصوص باید به این موارد توجه کرد:

– بحث دشمن در تحلیل‌های خود به سرداران نبرد در عرصه‌های مختلف در ایران نگر بسته است. در عرصه نظامی، امنیتی و اطلاعاتی، سرداران و ژنرال‌هایی بر مسند قدرت نشستند که طعم کارشکنی‌ها و بدعهدی‌های طرف‌های غربی که بعد از برنامه جامع اقدام مشترک و بیانیه لوزان صورت گرفت اشاره کرد که با وجود توافقات صورت‌گرفته، بسیاری از موارد مورد توافق توسط غرب نقض شد

و طرف ایرانی تنها با عنوان این مساله که این نقض عهدها، تنها به روح توافق آسیب رسانده است(!) سعی داشت اوضاع را مدیریت کند، و اکنون نیز که توافق نهایی حاصل شده است، موضوعات و مسائل مبهم و گنگ فراوانی در تعهدات طرفین وجود دارد که نیاز به بررسی فراوان دارد؛ موضوعاتی از این دست. اما نکته اصلی این است که این همه موضوع لاینحل در حالی است که دولت ۲ سال از عمر خود را تماماً به این موضوع اختصاص داده و مدعی است در مذاکرات همه موضوعات به صورت خرد و موردی با دقت و وسواس خاصی مطرح و بررسی شده‌اند و برجام عزت و اقتدار ایران را در مقابل قدرت‌های جهانی به اثبات رساند، ولی بحث‌های جدی در کمیسیون ویژه برجام نشان از شرایط متفاوتی دارد. مدیریت کرده و مانع گسترش ابعاد آن شدند.

– وقوع بحران بمب‌گذاری و حمله به سفارتخانه‌های ایران در پاکستان، یمن و لبنان طی این ۲ سال که برخی دیپلمات‌های جمهوری اسلامی نیز در این حملات به شهادت رسیدند همچنین بحران گروگانگیری مرزبانان ایرانی در مرز با پاکستان که مدت‌ها اوضاع مرزهای کشور را بویژه در منطقه سیستان بحرانی کرده بود. دولت یازدهم در این بحران‌ها نیز ناموفق بود و نتوانست اوضاع را در اسرع وقت مدیریت کرده و خاتمه دهد.

– بحث برجام و تلاش دولت یازدهم برای دستیابی به توافق هسته‌ای نمونه دیگری از این مسائل است که تمام توان دولت را تاکنون به خود معطوف کرده است ولی نتیجه‌ای که مورد رضایت تمام کشور باشد را حاصل نکرده است، چرا که تعادل بین داده و ستانده رعایت نشده و به‌رغم این همه هزینه‌ای که دولت برای دستیابی به توافق صرف کرده بود، نتیجه مطلوب به‌دست نیامده است. در این خصوص باید به این موارد توجه کرد:

– بحث دشمن در تحلیل‌های خود به سرداران نبرد در عرصه‌های مختلف در ایران نگر بسته است. در عرصه نظامی، امنیتی و اطلاعاتی، سرداران و ژنرال‌هایی بر مسند قدرت نشستند که طعم کارشکنی‌ها و بدعهدی‌های طرف‌های غربی که بعد از برنامه جامع اقدام مشترک و بیانیه لوزان صورت گرفت اشاره کرد که با وجود توافقات صورت‌گرفته، بسیاری از موارد مورد توافق توسط غرب نقض شد

و طرف ایرانی تنها با عنوان این مساله که این نقض عهدها، تنها به روح توافق آسیب رسانده است(!) سعی داشت اوضاع را مدیریت کند، و اکنون نیز که توافق نهایی حاصل شده است، موضوعات و مسائل مبهم و گنگ فراوانی در تعهدات طرفین وجود دارد که نیاز به بررسی فراوان دارد؛ موضوعاتی از این دست. اما نکته اصلی این است که این همه موضوع لاینحل در حالی است که دولت ۲ سال از عمر خود را تماماً به این موضوع اختصاص داده و مدعی است در مذاکرات همه موضوعات به صورت خرد و موردی با دقت و وسواس خاصی مطرح و بررسی شده‌اند و برجام عزت و اقتدار ایران را در مقابل قدرت‌های جهانی به اثبات رساند، ولی بحث‌های جدی در کمیسیون ویژه برجام نشان از شرایط متفاوتی دارد. مدیریت کرده و مانع گسترش ابعاد آن شدند.

– وقوع بحران بمب‌گذاری و حمله به سفارتخانه‌های ایران در پاکستان، یمن و لبنان طی این ۲ سال که برخی دیپلمات‌های جمهوری اسلامی نیز در این حملات به شهادت رسیدند همچنین بحران گروگانگیری مرزبانان ایرانی در مرز با پاکستان که مدت‌ها اوضاع مرزهای کشور را بویژه در منطقه سیستان بحرانی کرده بود. دولت یازدهم در این بحران‌ها نیز ناموفق بود و نتوانست اوضاع را در اسرع وقت مدیریت کرده و خاتمه دهد.

آیا دیپلماسی منطقه‌ای و بین‌المللی دولت مشکلات را حل می‌کند؟

# عزت و اقتدار حلقه‌های مفقوده

■ سیدمهدادسیدبزرگ ■

بررسی میدانی حادثه منا عازم شده بودند در نظر گرفته می‌شد و همچنین زمینه‌ای را مهیا می‌کردند تا هیأت عالی‌رتبه و رسمی کشور با این حد از بی‌شرمی و تلعل در صدور مجوز روبرو نشود. – احضار چندباره کاردار حکومت سعودی در تهران برای پاسخگویی درباره حادثه منا به وزارت امور خارجه که کاملاً بی‌نتیجه بود و هیچ تأثیری در افزایش همکاری مقامات سعودی با مسؤولان ایرانی و پذیرش مسؤولیت این حادثه نداشت.

– عدم پاسخگویی مقامات سعودی به مطالبات مقامات ایرانی درباره پذیرش مسؤولیت وقوع این حادثه از یک طرف و متهم کردن زائران ایرانی به‌عنوان عامل اصلی وقوع حادثه منا توسط مقامات سعودی اوج گستاخی سعودی‌ها را نشان می‌دهد که به هیچ وجه از اقدام خود پشیمان نیستند و در مقابل جمهوری اسلامی را مقصر دانسته و ایران را به مداخله در امور عربستان متهم کرده‌اند.

– رد درخواست ملاقات آقای ظریف توسط «عادل جبیر» وزیر خارجه آل‌سعود. وزیر خارجه سعودی نه‌تنها از پذیرش درخواست دیدار آقای ظریف امتناع ورزید بلکه به‌رغم واسطه‌گری امیر کویت برای این دیدار دوباره درخواست ملاقات را رد کرد و حتی جمهوری اسلامی را از این جهت که خواستار پذیرش مسؤولیت حادثه توسط سعودی‌ها و همکاری در بررسی حادثه منا شده است، متهم به دخالت در امور پادشاهی خود کرد. با این نوع پاسخگویی و موضع‌گیری بی‌شرمانه و وحشیانه‌ای که توسط وزیر خارجه عربستان صورت گرفت، چه اقتدار و عزتی برای کشور باقی خواهد ماند؟! وقتی بدوی‌ترین حکومت دنیا اینگونه ایران را طرف صحبت خود قرار می‌دهد، چه باید گفت؟ با این موضوعات عزت، اقتدار و حیثیت بین‌المللی جمهوری اسلامی در منطقه و جهان کجاست؟! دولت یازدهم که بارها بیان داشته بود دولت قبلی عزت، شأن و منزلت ایران را در عرصه منطقه‌ای و جهانی لکه‌دار کرده و منجر به تحقیر ملت در عرصه جهانی شده است، اکنون چه عزتی را دنبال می‌کند، و چه کرده است که حتی رژیم‌های چون آل‌سعود، هیچ ارزش و اعتباری برای مقامات عالی کشور نیز قائل نیست، چه برسد به کدخدای جهان آمریکا که سببل اصلی استکبار و غرور است و هدفی جز تحقیر ایران و اسلام ندارد. حکومت سعودی با این جایگاه پست و حقیر خود، در قبال حادثه منا حتی حاضر به عذرخواهی از جمهوری اسلامی نیست و مسؤولیت این اتفاق بزرگ را نیز نمی‌پذیرد؛ آل‌سعودی که نوکر بی‌اختیار آمریکاست، در مقابل خواسته حق جمهوری اسلامی شدت موضع‌گیری کرده و حملات بی‌شرمانه‌ای در لحاظ دیپلماتیک و سیاسی علیه حجاج، ملت ایران و دولت انجام داده است، این در حالی است که دولت یازدهم همیشه این موضوع را مطرح می‌کند که عزت و اعتبار کشور در زمان این دولت در حال افزایش است(!) آیا عزت و اقتدار کشور در

نیست که دشمن راه رخنه را بخوبی بشناسد. آنچه انقلاب را از گزند اینگونه تعرض‌ها مصون داشت اندیشه امام عزیز در بازتعریف و تشکیل نهادهایی انقلابی مبتنی بر اندیشه اسلام ناب است که از جمله آنان سپاه پاسداران، جهاد سازندگی و جهاد خودکفایی و امثالهم است. جمهوری اسلامی برای مقابله با تهاجم باید در اولین گام از زمین بازی دشمن خارج شود و این امر محقق نمی‌شود مگر با تغییر منش و افکار پیرامون اندیشه‌ها، روش‌ها و ساختارها. تشکیل نهادهای موازی با نهادهای موجود اقتصادی مبتنی بر اندیشه‌ها و با توجه به ظرفیت‌های اسلامی – ایرانی همان نقطه راهی از این نبرد سهمگین است. اما این نقشه راه نیازمند فرماندهان معتقد و مجاهد است. اقتصادخوان‌ها و اقتصاددانان و اساتید دانشگاه در این مملکت به جای تفکر در امر مبارزه و یافتن راه بستن رخنه‌ها و گشایش مسیرهای جدید، یک پای ثابت تعامل با غرب و دقیق‌تر حمایت از تواقف به هر قیمتی شده‌اند، چراکه در حساب و کتاب‌های این جماعت اقتصادی غربی‌خوانده اصلاً نواندیشی و عبور از تفکر مسلط اقتصادی محلی از اعراب ندارد و شاید این بزرگ‌ترین درد نظام و بهترین فرصت دشمن است. ژنرال‌های اقتصادی این مملکت چاره را در مذاکره می‌بینند نه در مبارزه. این نقاط ضعف جدی در عرصه اندیشه و مدیریت اقتصادی باید دلسوزان نظام و جوانان انقلابی را نگران کند تا با حضور جهادگونه در این عرصه مهم که عرصه نبرد جدی امروز اسلام ناب با کفر است زمینه‌ساز پیروزی حق علیه باطل باشند، ان‌شاءالله.

✽کارشناس ارشد اقتصاد انرژی

### دعای حلّی برای شاه بعد از تبعید امام



پس از تبعید حضرت امام در سحرگاه ۱۳ آبان ۱۳۴۳ با ترکیه و پخش سریع این خبر به سراسر کشور، موج گسترده‌ای از اعتراضات شکل گرفت. مراجع عظام تقلید داخل و خارج کشور با صدور نامه‌ها، بیانیه‌ها و تلگراف‌ها و ایراد سخنانی مختلف این عمل را محکوم کردند. به عنوان مثال مرحوم آیت‌الله العظمی گلپایگانی در اولین سخنرانی خود پس از این واقعه، در تاریخ ۱۳۴۳/۸/۳۰ در مسجد اعظم قم فرمودند: «.. هر روز یکی از احکام الهی به توب بسته می‌شود، اگر کسی هم بگوید پروردگار ما خداست یا باید حبس کند یا تبعید نمایند و در خانه‌ها را می‌بندند که چرا خدا می‌گوید، انا لله و انا الیه راجعون و من میند نامن شما به من تسلیت بگویید و یا ما به شما تسلیت بگوییم و یا همه‌مان به امام زمان تسلیت بگوییم و همه به پیغمبر خدا تسلیت بگوییم.»

همچنین مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی چند روز قبل از تبعید امام، در سخنانی به مناسبت کاپیتولاسیون انجمن نازاحت شدند که در حین سخنرانی حالشان به هم خورد و دیگر نتوانستند ادامه صحبت دهند. ایشان در یکی از بیانیه‌هایی هم که در اواخر آبان ماه منتشر کردند، اینگونه نوشتند: «با ننگ نیست که اجانب مصون باشند و آیت‌الله خمینی را به بیگانگان بسپارند. من از تبعید معظم له بسیار ناراحتم. من دیگر دقیقه شماری می‌کنم تا کی از این زندگی ننگین توأم با اسارت مستخلص شوم.»

در همین راستا بازار دست به اعتصاب و تعطیلی زد و رژیم در اقدامی کم‌سابقه، با تهدید و چین آجر در مقابل مغازه‌های تعطیل، تلاش کرد تا این اعتصاب را بشکند. در برخی شهرها تظاهرات خیابانی به راه افتاد که به سرعت سرکوب شد. چندی بعد نیز متن استفنالی از محضر آیت‌الله میلانی و آیت‌الله مرعشی مینی بر وظایف طلاب و مبلغان در ماه مبارک رمضان انتشار یافت که آیت‌الله میلانی در بخشی از پاسخ به این استفتاء فرموده بودند:«انواع تعدیات و ظلم و ستم و اختناق شدید و تجاوزاتی که حریم دین و مملکت مذهبی وارد شده و پایمال شدن حقوق ملت و گرفتاری‌های اقتصادی و غیره و گرفتاری و زندانی شدن علما و خطبا و دانشمندان [را] تذکر دهید.» پاسخ آیت‌الله مرعشی نیز به همین مضمون بود. لذا رژیم پهلوی در سخنرانی‌های انجام شده در این ماه مبارک، بیش از پیش به باد انتقاد گرفته شد. گزارشات روزمره برخی از این سخنرانی‌ها به سناواک ارسال شده و اقامات لازم صورت می‌گرفت. در یکی از این گزارشات آمده است: «برابر اطلاع، منابر روز ۱۶/۰۲/۴۳ عادی بوده است. ۱- شیخ واعظی در مجلس کنسردی به منبر رفت و به دولت حمله کرد که به وسیله کلاتری ۱۱ به وی تذکر داده شد و از منبر رفتنش جلوگیری گردید. ۲- شیخ محمدعلی طالقانی پیش‌نماز مسجد آکباتان به منبر رفت و نسبت به دولت و گرانی بنزین و مأموران سازمان امنیت حمله کرد که از طرف کلاتری در مورد جلب وی اقدام گردیده است. ۳- شیخ جعفری پیش‌نماز مسجد جامع و شیخ طاهری در مسجد مذکور به منبر رفتند و از دولت تنقید نمودند و هر دو به خمینی دعا کردند. ۴- شیخ محمود حلّی در مسجد باب‌الحوائج واقع در میدان فوزیه به منبر رفت و دولت و مسؤولان امنیتی مملکت را عا کرد. ۵- …»

این سند همان گونه که به خوبی نشان‌دهنده اوج اختناق و فشار بر روحانیت شجاع و انقلابی است، بیابگر مواضع شیخ محمود حلّی(رهبر انجمن حجّتیة) نیز هست. او در شرایطی دولت و مسؤولان امنیتی را دعا می‌کند که عامل همه این جنایات از کاپیتولاسیون گرفته تا تبعید امام و سرکوب علما و مردم، رژیم دژخیم پهلوی است. او در زمانی با دعای خود اینگونه اعمال آنها را تایید می‌کند که بزرگ‌ترین مراجع وقت از شدت ناراحتی چنین مواضعی علیه آنان اتخاذ کرده و آرزوی مرگ می‌کند و افرادی همچون آقایان جعفری و طاهری چند روز پس از این سخنرانی همراه با ۱۱ نفر دیگر از نویسندگان متعدد و مجاهد اسلامی، دستگیر و به محاکمه فرمایشی کشیده می‌شوند. حال چگونه می‌توان ادعا کرد که انجمن حجّتیة به رهبری شیخ محمود حلّی، مورد تأیید همه مراجع، همگام با انقلاب اسلامی و طرفدار حضرت امام بوده است؟! البته این سند تنها یکی از اسناد ساواک است که بر این موضوع بخوبی شهادت می‌دهد اگر نه اسناد دیگری نیز درباره شخص شیخ محمود حلّی و انجمن حجّتیة موجود است.